

بررسی نگرش‌های دینی و قانونی دربارهٔ پدیدهٔ ضرب و شتم متهمان

سید امین موسوی^۱

چکیده

زمینه و هدف: اذیت و آزار متهم توسط مأموران، از جملهٔ جرایم خاص کارکنان دولت است. ارتکاب این جرم، افزون بر اینکه -برابر قوانین و مقررات کیفری و شهروندی- ممنوع است و سبب رواج قانون‌شکنی پلیس می‌شود، باعث بروز ناراضایتی مردم از عملکرد پلیس (حافظان جان و مال و ناموس مردم) نیز می‌شود. ماجرای ضرب و شتم متهمان به دست پلیس از جملهٔ موضوعات بسیار مهم در عرصهٔ روابط اجتماعی و حقوقی است. قرن‌ها پیش دین مبین اسلام بر پیشگیری از هتک حرمت مؤمن و حفظ حقوق انسانی تأکید کرده و حفظ کرامت انسان را جزو محکّمات و امهات تعالیم خود قرار داده است.

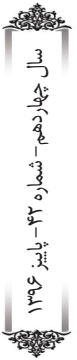
روش تحقیق: روش پژوهش در این بررسی اسنادی و از نوع کتابخانه‌ای است. پژوهش بیشتر رنگ توصیفی به خود گرفته است، ولی منطقی موجود در آن منطقی تحلیلی است. بدین معنا که طرح مسائل بر اساس سؤالات تحقیق منظم شده و جمع‌آوری مطالب بر اساس فیش برداری علمی است. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ضرب و شتم متهمان، از جملهٔ رفتارهای مغایر با قانون است و مرتکب آن، ناتوانی و فقدان تخصص خود را اثبات می‌کند. مقاله در چهار محور مفهوم شناسی، نگاه اسلام و قانون به مقولهٔ ضرب و شتم متهمان و نیز بررسی دلایل وقوع آن تدوین شده است و پس از نتیجه‌گیری راه‌کارهایی در این زمینه پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: متهم، ضرب و شتم، اسلام، نیروی انتظامی، پلیس، قانون.

۱- مقدمه

شکنجه (ضرب و شتم) متهمان یا استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اعتراف و اقرار به جرم، از لحاظ تاریخی دارای سابقه‌ای طولانی است. از روزگاران قدیم تاکنون اعمال شکنجه با دلایلی مختلف صورت می‌گرفت. در بیشتر مسائل جنایی، مجازات مجرم و سرعت در روند دادرسی از جمله مهم‌ترین دلایل توسل به شکنجه معرفی شده است. هر چند گاهی نیز شکنجه به علت مسائل روانی شکنجه‌گر و یا دلایل سیاسی و اعمال قدرت صورت می‌گیرد. از لحاظ تاریخی، ادیان الهی و برخی از فیلسوفان و متفکران، با شکنجه به مخالفت برخاستند، اما با به وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی و تدوین اعلامیه حقوق بشر، ممنوعیت شکنجه افراد (متهم و غیرمتهم) به‌عنوان جرمی بزرگ و نابخشودنی اعلام شد. به‌منظور نیل به این هدف، نهادهای بین‌المللی خاصی برای شناسایی موارد شکنجه و مقابله با آن به وجود آمده‌اند. برخی از این نهادها به‌طور اختصاصی مسئله شکنجه را مدنظر قرار داده و برخی دیگر ضمن حمایت از کلیت حقوق بشر، به شکنجه نیز به‌مثابه جرم علیه بشریت نگرسته و درصدد مقابله با آن برآمده‌اند.

حقوق کیفری اسلام نیز، بر مبنای احترام به کرامت و شرافت انسانی، هر گونه آزاری به انسان‌ها را نکوهیده است. بر اساس تعالیم مکتب اسلام، ایراد هر نوع اذیت نامشروع به انسان‌ها به‌طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی حرام است. حقوق اسلام قواعدی دقیق به‌منظور پیشگیری از اعمال هر گونه اذیت و آزار به انسان‌ها وضع کرده است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، با صراحت تمام، ممنوعیت مطلق شکنجه را پذیرفته است. مبنای این حکم را می‌توان در مفاهیم مقدس مکتب اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به تحریم شکنجه جست‌وجو کرد. در تمام نظام‌های حکومتی و کیفری، نهادهای مختلف برای مبارزه با جرم و مجرم‌ان فعالیت می‌کنند و پلیس یکی از مهم‌ترین این نهادهاست. اولین برخورد پلیس با افراد، زمانی است که مدارکی دال بر ارتکاب جرم فرد وجود داشته باشد. در این حالت ممکن است پلیس آن فرد را توقیف کند. در بیشتر موارد، با توقیف متهم، فعالیت پلیس در



فرایند کیفری شروع می‌شود. در جرایم مشهود، ممکن است توقیف متهم با بازرسی بدنی یا بازرسی از اموال او همراه باشد. گاهی نیز کسب دلایل و مدارک و آگاهی از حقایق نیازمند آن است که شخص مورد بازرسی قرار گیرد. در همه این موارد (اعم از توقیف، بازرسی و بازرسی) احتمال تعدی پلیس از حیطه اختیارات و وظایفش و تضییع حقوق متهمان وجود دارد؛ به‌ویژه اینکه رعایت دقیق موازین حقوق بشری از طرف پلیس گاهی اوقات مانع انجام دادن سریع مأموریت‌های قانونی پلیسی است. بنابراین احتمال ارتکاب شکنجه و ضرب و شتم متهم توسط مأموران پلیس در این شرایط وجود دارد. ارتکاب این جرم، افزون بر اینکه برابر قوانین و مقررات کیفری و اسلامی ممنوع است، منجر به افزایش نارضایتی مردم از عملکرد پلیس می‌شود. از این‌رو در این مقاله در پی بررسی زوایای دینی و قانونی «پدیده ضرب و شتم متهمان» هستیم که برخی از کارکنان پلیس مرتکب می‌شوند.

۱-۱- سؤالات تحقیق

مسئله علمی، مسبوق به معرفت علمی و سؤال علمی نیز مسبوق به مسئله علمی است، یعنی ابتدا مسئله پدید می‌آید و سپس سؤال آن مطرح می‌شود.

الف) سؤال اصلی

سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از: «در نگاه دینی و قانونی، ضرب و شتم متهمان چه جایگاهی دارد؟ به بیانی دیگر، آیا از لحاظ دینی و قانونی می‌توان مجوزی برای ضرب و شتم متهم پیدا کرد یا اینکه ارتکاب چنین رفتاری، خلاف اصول انسانی و موازین قانونی است و جرم محسوب می‌شود؟»

ب) سؤالات فرعی

این تحقیق دارای چند سؤالاتی فرعی است: معنای لغوی و اصطلاحی ضرب و شتم چیست؟ متهم از لحاظ قانونی کیست و چه تفاوتی با مجرم دارد؟ نگاه اسلام به پدیده‌های همچون ضرب و شتم متهمان چگونه است؟ از لحاظ قانونی و حقوقی، این پدیده چه جایگاهی دارد؟ چه دلایلی وجود دارد که این پدیده در مراکز انتظامی دیده می‌شود؟ به بیان دیگر، چرا

برخی از مأموران انتظامی چنین رفتاری از خود نشان می‌دهند؟

۱-۲- اهداف تحقیق

وجود هدف در اجرای تحقیق این مزیت را دارد که محقق را از سردرگمی و بلا تکلیفی رها می‌سازد و به سیر اجرای تحقیق جهتی درست می‌دهد. نگارش این مقاله دارای اهداف زیر است:

الف) هدف کلی

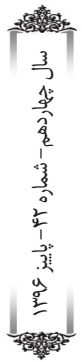
«بررسی پدیده ضرب و شتم متهم از لحاظ دینی و قانونی». به بیانی دیگر، شناخت نگرش دین اسلام و قانون مجازات اسلامی درباره پدیده ضرب و شتم متهم.

ب) اهداف فرعی

- ۱- بررسی معنای لغوی و اصطلاحی پدیده ضرب و شتم متهم؛
- ۲- شناخت تفاوت بین دو مفهوم متهم و مجرم؛
- ۳- شناسایی نگرش دینی درباره پدیده ضرب و شتم متهم؛
- ۴- بررسی پدیده ضرب و شتم متهم از نگاه قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران؛
- ۵- بررسی برخی از دلایل ارتکاب این پدیده توسط برخی از مأموران انتظامی و ارائه راهکارهای کاهش و کنترل این پدیده.

۱-۳- روش تحقیق

روش پژوهش در این بررسی اسنادی و از نوع کتابخانه‌ای است. پژوهش بیشتر رنگ توصیفی به خود گرفته است، ولی منطبق موجود در آن منطق تحلیلی است. بدین معنا که طرح مسائل بر اساس سؤالات تحقیق منظم شده است و ترتیب و توالی منطقی دارد. جمع‌آوری مطالب بر اساس فیش‌برداری علمی است. مطالب در چهار محور مفهوم‌شناسی، نگاه اسلام و قانون به ضرب و جرح متهمان و بررسی دلایل وقوع آن، بیان شده است که در نهایت پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری راهکارهایی در این زمینه ارائه کرده‌ایم.



۲- مفهوم‌شناسی اصطلاحات

۲-۱- شکنجه

شکنجه در اصل به مفهوم عذاب دادن دزد و گناهکار است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۰)؛ یا به هر گونه رنج، عذاب، عقوبت، آزار و ایذاء گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۰: ۲۶). در واقع هرآنچه باعث آزار جسمی یا رنج روحی شود «شکنجه» نامیده می‌شود (انصاف‌پور، ۱۳۷۷: ۶۳۸). در اصطلاحات حقوقی، با تکیه بر هدف شکنجه، این واژه چنین تعریف شده است: «شکنجه ایراد آزار به متهم و غیرمتهم است تا اقرار به بزه یا تعهدی کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳). بر اساس این تعریف، انگیزه مرتکب، که همان اخذ اقرار است، جزء عنصر روانی جرم و از اجزای آن است و بدون وجود آن جرم محقق نمی‌شود. این امر در اسناد بین‌المللی مربوط به منع شکنجه نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ماده یکم میثاق بین‌المللی ممنوعیت شکنجه و دیگر تعذیبات یا رفتارهای خشن، غیرانسانی و موهن مصوب دهم دسامبر ۱۹۸۴ در این باره بیان می‌کند: «برای نیل به اهداف میثاق، مراد از واژه شکنجه هر عملی است که نتیجه آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی است و به طور عمدی بر دیگری واقع شده است، با این هدف که از وی یا از شخص ثالث اطلاعاتی کسب شود، یا وادار به اعتراف شود، یا تنبیه بر فعلی که او یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن بوده است، یا ترساندن یا اکراه وی یا شخص ثالث و یا هر اقدام دیگری از صورت‌های ایذاء و رنج که منظور آن مبتنی بر تبعیض از هر نوع باشد، مشروط به آنکه چنین درد یا رنجی را مأموران رسمی یا هر شخص دیگری که به‌مثابه وظیفه رسمی عمل می‌کند اعمال شده، یا این گونه اقدامات همراه با تحریض به آن یا موافق با آن یا سکوت مأمور در برابر آن تحمیل شده باشد». با توجه به این موارد، می‌توان شکنجه را این‌گونه تعریف کرد: «شکنجه عبارت است از اعمال عمدی درد و رنج روحی یا جسمی بر فرد با هدف اخذ اقرار، شهادت، سوگند یا کسب هرگونه اطلاعات دیگر به وسیله یا به دستور مأموران دولتی». باید توجه کرد که تحقق شکنجه نیازمند وجود شرایطی است و در صورت فقدان این شرایط عنوان شکنجه

بر فعل ارتكابی صدق نخواهد کرد (ایزدی فرد و صمصامی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲).

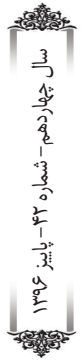
۲-۲- ضرب، جرح و شتم

«ضرب» واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای زدن، کوفتن و نواختن است (معین، ۱۳۸۰: ۷۶). در پزشکی قانونی «ضرب» به صدمات و آسیب‌هایی اطلاق می‌شود که بدون از هم گسیختگی ظاهری نسجی و جاری شدن خون ایجاد می‌شود (پاد، ۱۳۷۴: ۲۳). در مفهوم کیفری، ضرب به هر صدمه وارد شده به بدن انسان گفته می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم به صورت زدن یا تصادم یا برخورد و تلاقی شدید حاصل شود؛ گرچه هیچ اثر زخم و کوفتگی باقی نگذارد (همان: ۹۲). «جرح» در لغت به معنای زخم زدن، ساقط کردن و باطل کردن شهادت گواهان است (معین، ۱۳۸۰: ۷۷). در پزشکی قانونی به مواردی گفته می‌شود که بافت‌های بدن از هم گسیخته و با خونریزی همراه شود؛ بنابراین هر زخم معمولی و شکستگی استخوان و سوختگی و نظایر آن جزو اقسام جرح است (شیرزاد، ۱۳۸۵: ۲۰).

«شتم» در لغت به معنای دشنام دادن، فحش دادن و ناسزا گفتن است (معین، ۱۳۸۰: ۸۹). هر گاه فرد ضارب با قصد و نیت قبلی عملی را انجام دهد که منتهی به ضربه خوردن یا ایجاد صدمه به فرد مضروب به همراه دشنام دادن یا فحاشی کردن به او باشد، به این عمل ضرب و شتم گفته می‌شود (پاد، ۱۳۷۴: ۹۲).

۲-۳- متهم و مجرم

واژه «متهم» از نظر لغوی اسم مفعول و از ماده «وهم» است. وهم به تصورات غلط و دور از واقعیت گفته می‌شود. واژه اتهام اسم مصدر آن است (معین، ۱۳۶۴: ۲۰۷۷). از لحاظ حقوقی متهم کسی است که گمان می‌رود از ناحیه وی یک یا چند جرم انجام شده، ولی هنوز این ادعا ثابت نشده است. به عبارت دیگر «متهم کسی است که فاعل جرم تلقی می‌شود ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است». بنابراین متهم فقط در مظان اتهام قرار دارد. در این مرحله، فرض بر بی‌گناهی اوست و تا زمانی که اتهام در دادگاه صالح رسیدگی نشود و عملی که به او نسبت داده شده است، ثابت نگردد، نمی‌توان او را مجازات کرد. از این رو اصل بر برائت



او گذاشته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۳). در روند دادرسی کیفری به‌منظور رعایت «اصل برائت» هیچ‌یک از آثار محکومیت کیفری بر متهم بار نمی‌شود. از سوی دیگر باید دقت کرد که متهم مجرم نیست و از همان ابتدا نباید به وی با دید مجرم‌نگریست و تا زمان حکم قطعی، متهم محسوب می‌شود؛ ولی پس از صدور حکم قطعی و محکومیت شخص متهم، عنوان «مجرم» بر وی اطلاق می‌شود و باید مورد مجازات قرار گیرد و مطابق با ماده ۶۲ ق. م. ا. از برخی حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

۳- دلایل حرمت «ضرب و شتم متهم» در نگاه دینی

یکی از دلایل حرمت شکنجه متهم و جوب حفظ حرمت انسانی او است که آیات قرآنی و روایات دینی، به‌طور آشکار، هم بر حرمت شکنجه متهم و هم بر حفظ کرامت انسانی او دلالت دارند. در تعالیم اسلامی، انسان موجودی است که خداوند متعال او را به بهترین صورت ممکن خلق کرده و روح خویش را در او دمیده است.^۱ با توجه به کرامت و شرافت انسانی^۲، وی دارای منزلتی والاست. به دلیل همین جایگاه عالی، خداوند به او حرمت و کرامت بخشیده و حتی حرمت او از مهم‌ترین حرمت‌های الهی دانسته شده و برایش اهدافی بلند در نظر گرفته شده است. در آیات قرآن عبودیت و بندگی، اقامه قسط و عدل، اتمام مکارم اخلاق، کمال انسانیت، قرب الهی، تهذیب نفس و اصلاح و تربیت افراد به‌عنوان اهداف اصلی آفرینش انسان ذکر شده است. حال، با توجه به چنین جایگاه رفیع و اهداف بلندی که برای انسان در نظر گرفته شده است، آیا آزار شخص با توجه به انسان بودنش جایز است؟ مسلماً جواب این پرسش منفی است، چون که نتیجه منطقی چنین شأن و منزلتی این است که آزار و اذیت کردن دیگران حرام است.

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص، ۷۲) «پس آن‌گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم، بر او به سجده درافتید».

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰) «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

همچنین، به عقیده بسیاری از فقها، منابع چهارگانه استنباط احکام بر تحریم اذیت و هتک حرمت انسان دلالت دارد (نجفی، ۱۳۶۷: ۷۴). برخی از آیات قرآن به صراحت به این موضوع اشاره کرده است. یکی از مهم‌ترین آیات قرآن در این باره، آیه ۵۸ سوره احزاب است. در این آیه خداوند می‌فرماید: «آنان که مردان و زنان باایمان را به دلیل کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند بار بهتان و گناه را به دوش می‌کشند». این آیه عمل آزار و اذیت‌کنندگان مؤمنان را گناهی آشکار محسوب کرده است. بنابراین مرتکب چنین عملی، مستحق عذاب است. افزون بر آیات قرآنی، روایاتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) موجود است که اذیت و آزار دیگران را مذمت نموده و آن را حرام دانسته‌اند. در اینجا چند نمونه از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

- حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مبغوض‌ترین مردم در نزد خداوند کسی است که پشت مسلمانی را برای زدن - به ناحق برهنه کند».^۲

- «وشاء» یکی از یاران امام رضا (علیه السلام) از آن حضرت نقل می‌کند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «خدا لعنت کند کسی را... که بزند آن کس را که او را زنده است».^۳

- امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است که آن حضرت فرمودند: «هرکس به گونه یا صورت مسلمانی سیلی بزند، خداوند روز قیامت استخوان‌های او را خرد و تکه‌تکه خواهد کرد و درحالی که غل و زنجیر به گردن دارد، محشور و به جهنم وارد می‌شود، مگر آنکه در دنیا توبه کند».^۴

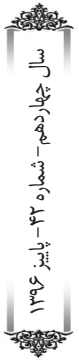
افزون بر روایات یادشده درباره تحریم شکنجه، می‌توان به کلام امام علی (علیه السلام) که در بخشی از خطبه ۱۶۶ نهج البلاغه آمده است و به بیان حفظ احترام مسلمانان و ترک آزار

۱. «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُنْتُمْ أَتَمَلُّوا يُهْتَأُوا وَإِنَّمَا مُنِينَا» (احزاب، ۵۸).

۲. «ان ابغض الناس الى الله عزو جل، رجل من جرد ظهر مسلم بغير حق» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۳۳۶).

۳. «لعن الله من ... ضرب غیر ضاربه» (همان).

۴. «و من لطم خد امریء مسلم او وجهه ببد الله عظامه يوم القيامة و حشر مغلولاً حتى يدخل جهنم الا ان يتوب» (همان).



و اذیت آنها می‌پردازد، اشاره نمود که فرمودند: «مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ مگر پای حق در میان باشد که گزند بر مسلمان جز در موردی که واجب باشد روا نیست»^۱.

در نتیجه، تا زمانی که مجوزی برای آزار مسلمانان وجود نداشته باشد، آزار دادن او جایز نیست و به فرض جواز، باید به آن مقدار از نظر کیفیت و کمیت که خداوند اجازه داده است (حدود و تعزیرات اسلامی) اکتفا کرد. علمای اسلام از «اصل اجماع»^۲ به‌عنوان سومین منبع برای استنباط احکام اسلامی یاد می‌کنند. در مورد شکنجه، باید گفت: اجماع فقها بر ممنوعیت شکنجه قرار گرفته است و اعتقاد به جواز شکنجه در میان فقها فاقد جایگاه است.

علاوه بر اجماع فقها، عقل سلیم نیز بر حرمت شکنجه و تعذیب انسان‌ها دلالت می‌کند. از آنجا که شکنجه مصداق ضرر است و نهی از اضرار به غیر، حکمی عقلی است، عقل سلیم حکم می‌کند هر عملی که منجر به آزار و اذیت دیگران شود، قبیح است مگر در مواردی که مجوزی (از باب مجازات) برای این‌گونه کارها وجود داشته باشد. همچنین، طبق قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» چیزی جز ادای سوگند بر عهده متهم نیست لذا تعذیب او برای کسب اقرار جایز نیست (ایزدی‌فرد و صمصامی، ۱۳۹۲: ۲۰).

احکام دین اسلام بسیار حساب‌شده و دقیق پایه‌ریزی شده‌اند. دین اسلام دینی است که آزار و اذیت به هیچ موجود زنده‌ای، حتی حشرات را جایز نمی‌داند. بنابراین به طریق اولی اعمال هرگونه آزار و اذیت به انسان‌ها از دیدگاه مکتب اسلام جایز نیست. در نتیجه بدون هیچ

شک و تردیدی، همه ادله استنباط احکام اسلامی، اعم از قرآن، سنت، اجماع و عقل، دلالت بر ممنوعیت شکنجه دارند و مرتکبان آن را مستحق مجازات تعزیری می‌دانند. افزون بر این،

۱. «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷)
 ۲. در اصطلاح علم اصول، اجماع با توجه به معنی لغوی آن، اتفاق جماعتی از مجتهدان اسلام بر امری از امور دینی است که اتفاق آنها کاشف از رای معصوم باشد.

شان و منزلتی که مکتب اسلام برای انسان قائل شده مانع از آن است که اعمال هرگونه آزار و اذیتی را به انسان بپذیرد، بنابراین این پدیده شوم به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی نمی تواند وجهه شرعی به خود بگیرد.

۴- قانون و مسئله ضرب و شتم متهم

مهم ترین هدف بازجویی کسب اطلاعات درباره جرم است. وسوسه دستیابی سریع و راحت به این هدف از طریق ساده ترین راه و در کمترین زمان ممکن، موجب می شود که در برخی از موارد کارگزاران نظام عدالت کیفری، دست به اقداماتی غیرقانونی بزنند. استفاده از اهرم شکنجه برای کسب اطلاع و اقرار از متهم یکی از موارد تعدی پلیس به حقوق متهم در هنگام بازجویی است. تأکید بر سرعت عمل، ضعف و ناتوانی، فقدان سعه صدر و مشکلات روانی مأموران تأثیراتی بسیار در افزایش میزان وقوع شکنجه در هنگام بازجویی داشته است (صادقی، ۱۳۸۰، ۲). افزون بر این، ارزش بسیار زیاد اقرار در محکومیت متهم و اثبات جرم نیز موجب شده است که مأموران به آن توجهی بسیار کنند و از همه ابزارهای ممکن برای اخذ اقرار استفاده کنند. دلایل فوق برخی از مأموران را بر آن داشته است که با سوء استفاده از موقعیت شغلی خود، از شکنجه به عنوان ابزار کسب اقرار از متهم استفاده کنند. استفاده از شکنجه موجب کاهش اعتماد مردم به پلیس و نظام عدالت کیفری می شود. در صورت توسل پلیس به شکنجه، مردم به پلیس نه به عنوان مدافع خود، بلکه به عنوان تزییع کننده حقوقشان می نگرند و استفاده از شکنجه به ضرر پلیس تمام خواهد شد زیرا استفاده از شکنجه برای اخذ اقرار همیشه مفید نیست، بلکه گاهی می تواند نتیجه عکس داشته باشد.

در حقوق ایران، اصل ۳۸ قانون اساسی درباره موضوع ممنوعیت اعمال شکنجه، موضع قاطع و بدون قید و شرطی دارد و اینگونه عنوان می نماید: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است؛ متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود». هر چند اصل ۳۸ صراحت در ممنوعیت شکنجه و عدم اعتبار اقرار، اطلاع، شهادت

و سوگند ناشی از آن دارد، اصول دیگر قانون اساسی از جمله اصول ۲۲-۲۳-۳۲-۳۶-۳۷ و ۳۹ نیز به طور ضمنی مسئله ممنوعیت شکنجه را مورد توجه قرار داده‌اند.

این اصل بر مبنای داشته‌های فقهی و بر اساس نظریه عدم جواز شکنجه به تصویب رسیده است. علاوه بر مبنای فقهی، داشته‌های جهانی در ممنوعیت مطلق شکنجه نیز مبنایی برای تصویب این اصل بوده است. بنابراین مبنای تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی از یک سو قواعد بین‌المللی و از سوی دیگر تعالیم مکتب اسلام مبنی بر تحریم شکنجه است. اجرای صحیح این اصل در سطح جامعه محتاج به حمایت‌های کیفری و فرهنگی و اجتماعی دارد. در واقع صرف اعلام ممنوعیت اعمال شکنجه در قانون اساسی و یا سایر قوانین غیر کیفری نمی‌تواند به نحوی مطلوب از اعمال شکنجه در قبال افراد جلوگیری نماید (ایزدی فرد و صمصامی، ۱۳۹۲: ۱۸). مهم‌ترین مقررۀ قانونی درباره جرم‌انگاری شکنجه را می‌توان در فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی - که به تقصیرات مقامات و مأموران دولتی اختصاص دارد - جست‌وجو کرد.

ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مستقیماً به جرم شکنجه کرده است و این‌گونه بیان می‌کند: «هر یک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد. چنانچه کسی در این باره دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به وسیله اذیت و آزار فوت کند، مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت». افزون بر این، بندهای ششم و هفتم همین ماده بر ممنوعیت هرگونه ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر، استخفاف، پوشاندن صورت و نشستن پشت سر متهم حین بازجویی، دستگیری و تحقیق تأکید کرده است. در نتیجه این ماده - که تعریف جرم شکنجه را از دیدگاه نظام کیفری ایران بیان می‌کند - ضمانت اجرای بخشی از اصل ۳۸ قانون اساسی است و اخذ اقرار با اذیت و آزار بدنی از متهم را جرم دانسته است (شکری، ۱۳۸۵: ۵۸۷).

۵- معرفی برخی از عوامل مؤثر بر ارتکاب «ضرب و شتم متهم»

با توجه به مطالب فوق در مقاله، این سؤال مطرح می‌شود که «چرا برخی از مأموران، اقدام به ضرب و شتم برخی از متهمان می‌کنند؟». در پاسخ می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

۵-۱- **عوامل فردی:** مانند داشتن عصبانیت بیش از حد و نداشتن سعه صدر و خودکنترلی و ... ، پایین بودن سطح تحصیلات، داشتن مشکلات خانوادگی، وجود انگیزه‌های شخصی، عادت پیدا کردن به انجام راه‌های غیرقانونی توسط برخی از کارکنان به دلیل ناآگاهی متهم از حقوق خود و وجود این نگرش در برخی از مأموران که اقتدار و قدرت پلیس در انجام دادن کارهای خشن می‌دانند.

۵-۲- **عوامل درون‌سازمانی:** از جمله فشارهای ناشی از سختی کار، ضعف در طراحی محیطی و فرایند اجرای مأموریت، رسوب خرده فرهنگ ضرب و شتم در برخی از یگان‌های ناجا، ضعف تخصصی و فنی در کشف جرایم، فقدان تناسب کمی نیروی انسانی با مأموریت‌ها، ضعف آگاهی بعضی از کارکنان درباره مسائل حقوقی و قانونی و انتظار فرماندهان و سازمان برای تسریع در معرفی مجرم.

۵-۳- **علل و عوامل برون‌سازمانی:** انتظارات مردم از پلیس برای کشف سریع جرم، انتظارات مقامات اجرایی و قضایی - خارج از توان ناجا- در جهت تسریع فرایند کشف، دستگیری، تشکیل پرونده و ارسال آن به محاکم قضایی، ارزش بسیار زیاد اقرار در محکومیت متهم و اثبات جرم و ناآگاهی متهمان از حقوق شهروندی خود.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این بررسی پس از جمع‌آوری مطالب برای پاسخگویی به سؤالات مطرح‌شده به این نتیجه رسیدیم که اولاً بر تحریم شکنجه در مکتب اسلام به لحاظ مغایر بودن آن با کرامت و شأن انسان حکم شده است. اطلاق ادله چهارگانه به طور صریح دلالت بر ممنوعیت اعمال شکنجه دارد. افزون بر تعالیم اسلامی، مسئله ممنوعیت شکنجه در مجامع حقوق بشری و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز همواره مورد توجه بوده است. علت این توجه را از یک طرف

می‌توان در وجود رابطه‌ای مستقیم که بین دولت و اعمال شکنجه وجود دارد و از طرف دیگر نتیجه این جرم که هتک حیثیت و شرافت انسانی است جست‌وجو کرد.

ثانیاً نظام حقوقی ایران به تبعیت از شرع و با نیم‌نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی، اعمال شکنجه را به‌طور مطلق ممنوع اعلام کرده است. اصل ۳۸ قانون اساسی، شاهکار قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در موضوع ممنوعیت شکنجه است. از این‌رو ضرب و شتم متهمان از جمله رفتارهای مغایر قانون است و مرتکب آن ناتوانی و فقدان تخصص خود را اثبات می‌کند.

ثالثاً عوامل مهمی باعث بروز ضرب و شتم متهمان می‌شود؛ از این‌رو برای کنترل و پیشگیری از ارتکاب این پدیده، می‌توانیم پیشنهادها و راهکارهایی ارائه کنیم که عبارت‌اند از:

- اداره حقوقی، برای کارکنان شاغل در امر مبارزه با جرایم، برنامه آموزشی در زمینه حقوقی انجام دهد، اثربخشی آن را احصا کند و نتایج را بسنجد.

- معاونت آموزش، کلاس‌های استانداردسازی و تعالی رفتار کارکنان را به‌طور خاص با اعزام استادان به رده‌های تخصصی در چهارچوب شرح وظایف کمیسیون استانداردسازی و تعالی رفتار کارکنان انجام دهد و اثربخشی آن را بسنجد.

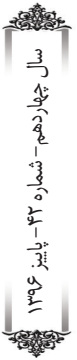
- تسری حق دسترسی متهم به وکیل در مرحله کشف جرم توسط پلیس، اعلام حق برخورداری از وکیل به متهم، پیش‌بینی صریح حق سکوت متهم در قوانین و الزام مأموران به رعایت آن.

- اجرای تحقیقات علمی و میدانی در زمینه چرایی وقوع ضرب و شتم متهمان توسط مأموران ناجا و تأمین بودجه کافی برای اجرای چنین تحقیقاتی.

- برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی - تخصصی با دعوت از استادان دانشگاهی و افراد نخبه علمی و برگزاری مسابقات علمی و مقاله‌نویسی و قدردانی از مأموران شایسته و مردم‌دار در این زمینه.

- تشویق کارکنانی که با متهمان و ارباب رجوع رفتار شایسته دارند و افزایش حساسیت

- فرماندهان و مدیران درباره مجرمانه بودن ضرب و شتم متهمان.
- جدا کردن مدیریت نگهداری متهم (بازداشتگاه) از مرحله رسیدگی به جرم (بازجویی و...)
 - و افزایش محافظت از متهمان از آغاز دستگیری تا اعزام به مرجع قضایی.
 - نظارت دقیق بر دسترسی بازجویان به متهمان توسط مقام‌های مسئول و به‌کارگیری دوربین‌های مداربسته در اماکن مربوط به نگهداری و بازجویی از متهمان.
 - بازدیدهای غیرمترقبه و دوره‌ای همراه با افراد باتجربه و متخصص از مراکز نگهداری متهمان و توجه به نقش بازرسی و ع.س. و حفای ناجا و پررنگ کردن حضور نظارتی آنان در این زمینه.
 - متعادل کردن انتظارات مراجع قضایی و فرماندهان از مأموران پلیس.
 - واگذاری امکانات فنی، تخصصی و اختیارات برای کشف علمی جرایم.
 - ارتقای تخصصی روش‌های بازجویی و افزایش دانش حقوقی و قانونی کارکنان در برابر متهمان.
 - تبیین و تشریح بیانات مقام معظم رهبری (دام‌ظله) درباره چگونگی اجرای مأموریت‌های ناجا و شیوه برخورد با مردم و متهمان.
 - طراحی و اجرای الگوی جامع پیشگیری از این جرم توسط معاونت آموزش و بازرسی فرماندهی، سازمان عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات، برای آموزش و تربیت کارکنان، نظارت و کنترل بر رفتار آنان، تذکر به کارکنان خاطی و تذکر به فرماندهانی که زیرمجموعه آنها مرتکب این رفتار می‌شوند.



منابع

- قرآن کریم.
- آشوری، محمد (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، تهران: سمت.
- آقای نیما، حسین (۱۳۸۵). *حقوق کیفری اختصاصی*، جرایم علیه اشخاص، تهران: میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹). *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، تهران: میزان.
- اسکندری، خسرو و دیگران (۱۳۹۲). *ضرب و جرح؛ موردکاوی و مستندسازی تجارب*، تهران: بازرسی کل ناجا.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۷۷). *فرهنگ کامل فارسی*، تهران: زوار، چاپ سوم.
- ایمانی، عباس (۱۳۸۳). *فرهنگ اصلاحات حقوق کیفری*، جلد اول، تهران: ریان.
- یاد، ابراهیم (۱۳۷۴). *حقوق کیفری اختصاصی*، تهران: دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- حجتی، مهدی (۱۳۸۴). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: میثاق عدالت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت لإحياء التراث الاسلامی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *ترجمه نهج البلاغه امام علی (علیه السلام)*، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، جلد ۹، تهران: دانشگاه تهران.
- شکری، رضا و قادر سیروس (۱۳۸۵). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، تهران: مهاجر.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۱). «جرم شکنجه در حقوق ایران». *مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۹.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- گودرزی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۲). *حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها*، تهران:



راه تربیت.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار، جلد ۲ و ۷۶، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
- معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مهاجری، علی (۱۳۷۲). جرایم خاص کارکنان دولت، تهران: کیهان، چاپ اول.
- میرعرب، فرج‌الله (۱۳۸۶). ضرب و شتم از دیدگاه شرع و اسلام، تهران: ساعس ناجا.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۰). حقوق جزای اختصاصی، تهران: امیرکبیر.

